

تحلیل جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران

محمدجعفر حبیبزاده*

سید درید موسوی مجاب**

چکیده

ضرورت صیانت از کلیت نظام حکومتی و ارزشهای آن سبب شده است در برخی کشورها فعالیت تبلیغی علیه نظام، با ضمانت اجرای کیفری روبه‌رو گردد. پیش از انقلاب اسلامی، در ایران هرگونه تبلیغ در مقام ضدیت با سلطنت مشروطه یا حمایت از مرام و رویه اشتراکی، یا تبلیغ به نفع مجرمان چنین جرائمی طبق ماده ۵ قانون مجازات مُقَدِّمین علیه امنیت و استقلال مملکت، جرم و قابل مجازات اعلام شده بود. پس از انقلاب اسلامی و با تصویب قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲، از سوی قانون‌گذار در زمینه تبلیغ علیه نظام، جرم‌انگاری صورت نپذیرفت. اما از سال ۱۳۷۵ و با تصویب قانون تعزیرات جدید، قانون‌گذار در قالب ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی، هرگونه فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام را جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده است. روشن است که آثار و توالی فاسد قسم دوم تبلیغ (تبلیغ به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام)، در نهایت

* دانشیار گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس (habibzam@modares.ac.ir).

** عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم (doraid.mousavi@gmail.com).

متوجه خود نظام (تبلیغ علیه نظام) خواهد شد؛ از این منظر، از ماده ۵۰۰ ق.م.ا. به اختصار، تحت عنوان جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام یاد می‌شود.
در این مقاله تلاش می‌شود با ارائه تحلیل حقوقی جامع از این جرم، ابعاد و ویژگیهای آن تبیین گردد.

واژگان کلیدی: کلیت نظام حکومتی، فعالیت تبلیغی، ضمانت اجرای کیفری.

مقدمه

جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام، موضوع ماده ۵۰۰ ق.م.ا.، در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی و در فصل اول آن - تحت عنوان جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی - مطرح گردیده است. به موجب این ماده که در واقع رکن قانونی تشکیل دهنده جرم است، انجام هر گونه فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام، جرم و مستوجب کیفر شناخته شده است.

جرم مذکور، به اعتبار دامنه موضوعی موسع و غیر مصرح در قانون و همچنین ماهیت رفتار مجرمانه، مستلزم ارائه تحلیل دقیق است. این در حالی است که به رغم جایگاه و اهمیت ویژه این جرم در میان سایر جرائم راجع به حوزه امنیت کشور، در آثار و نوشته‌های حقوقی موجود، به شکل مطلوبی به تبیین موضوع پرداخته نشده است؛ لذا اشکالها و نکات ابهام‌آمیز بسیاری که از این حیث مطرح می‌شوند، می‌باید به گونه‌ای مستدل و مستند برطرف گردند. این مهم، ما را بر آن می‌دارد تا با رویکردی حقوقی و واقع‌گرایانه برای رفع چالشهای نظری موجود در این زمینه، هر چند به طور نسبی، به تشریح جرم مذکور بپردازیم.

۱. واژه‌شناسی

پیش از هر چیز، ضرورت واژه‌شناسی در ابتدای بحث مطرح می‌شود؛ بر این اساس، نخست به تبیین برخی واژه‌های کلیدی در ماده مذکور می‌پردازیم. واژه نظام که دو بار از سوی قانون‌گذار مورد تصریح قرار گرفته است، از منظر حقوق عمومی، واجد مفهومی متمایز از مفهوم متداول و مصطلح است. تبیین و شناخت مفهوم صحیح این واژه، سبب رفع بسیاری از مناقشات سطحی و برداشتهای ناصواب می‌شود. در حوزه حقوق عمومی، واژه نظام، مفهوم شناخته شده‌ای است که معمولاً به جای آن از واژه حکومت استفاده می‌شود. البته اصولاً وصف حکومتی به واژه نظام افزوده می‌شود؛ لذا اصطلاح نظام حکومتی، اصطلاح رایجی است.

بنا به نقل دکتر قاضی شریعت‌پناهی، حکومت در فرهنگ لالاند،* به معنای مجموعه نهادهایی تعریف شده است که حاکم به واسطه آنها به اعمال اقتدار می‌پردازد (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۷۵: ۱۰۶). در این صورت، به کار بردن این واژه فقط در معنای انحصاری قوه مجریه یا در معنای بسیار مضیق کابینه وزرا طبعاً نمی‌تواند درست باشد. بنابراین، علاوه بر قوه مجریه (رئیس جمهور و هیأت وزیران)، شامل پارلمان و دستگاههای دیوانی، اداری و اجرایی نیز می‌شود. از نظر عرفی، واژه حکومت سه معنای مختلف را به ذهن متبادر می‌سازد که عبارت‌اند از: عمل حکومت و رهبری، رژیم سیاسی، و نهادهایی که عملاً سر رشته فرمانروایی را در یک کشور به دست دارند؛ به ویژه نهادهایی که وظایف قوه اجراییه را اعمال می‌کنند. معنای سوم که در زبان فارسی تحت عنوان «دولت» هم استفاده می‌شود، بیشتر از سایر معانی، رایج و مشهور است.** اما از آنجا که این اصطلاح با معانی چندگانه، گاهی به معنای عملکرد حکومتی و زمانی به مفهوم ساختار سیاسی و اجرایی به کار می‌رود و در زبان سیاسی در بیشتر مواقع جای خود را به واژه «دولت» داده است و استعمال آن ممکن است موجب سوء تفاهم شود، ترجیح داده می‌شود که دانشواژه «رژیم سیاسی» برای نشان دادن کلیتی که هم معنای ساختار و کالبدی دارد و هم شیوه و طرز عملکرد فرمانروا را نشان می‌دهد، به جای حکومت استفاده شود (قاضی شریعت‌پناهی، همان: ۱۰۷؛ همو، ۱۳۸۲: ۳۱۶).

در هر حال، واژه‌های «دولت»، «حکومت»، «نظام» و «رژیم سیاسی» در نوشته‌های حقوقی، عموماً در معنای واحدی به کار می‌روند. این مفاهیم، ناظر بر شخصیت حقوقی مستقل و متمایزی هستند که تابع احکام و آثاری مشخص است. بر همین اساس، گاه از مسئولیت نظام در عرصه داخلی یا در سطح بین‌المللی بحث می‌شود. بدیهی است که این مسئولیت متوجه

* LALAND.

** از منظر حقوقی، «دولت» به دو معنای خاص و عام به کار می‌رود: دولت به معنای خاص، که ناظر بر مدیران کشور و سازمانهای اداری و اجرایی است؛ دولت به معنای عام، که مترادف با «حکومت» است و شامل تمام نهادهای اداری، قضایی و تقنینی است و وصف بارز آن «حاکمیت» و سلطه در روابط داخلی و بین‌المللی است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۴۰ - ۴۱).

«کلّیت نظام» در معنای عام است. واژه نظام نیز که در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به کار رفته، ناظر بر این معناست.

در خصوص گروهها و سازمانهای مخالف نظام نیز باید گفت که منظور هر گونه دسته، جمعیت، حزب، انجمن، نهضت و اجتماعی است که تحت این عنوان دارای مرکزیت و تشکیلاتی باشند و اقداماتی را در مقام ضدیت و مخالفت با نظام انجام دهند (پیمانی، ۱۳۷۵: ۲۲). در حقیقت، گروهها و سازمانهای مخالف نظام با انجام اقدامات عملی، در جهت براندازی یا مقابله با نظام فعالیت می کنند و مخالفت آنها امر مسلّم و شناخته شده ای است. در صورت تردید مقام قضایی در تشخیص گروههای مخالف نظام و به طریق اولی دولتهای متخاصم، به نظر می رسد توجه به ماده ۲۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ می تواند در این زمینه راهگشا باشد. به موجب این ماده و تبصره آن:

منظور از دشمن عبارت است از: اشرار، گروهها و دولتهایی که با نظام جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ بوده یا قصد براندازی آن را دارند و یا اقدامات آنان برضد امنیت ملی است. تبصره - هرگاه برای دادگاه تشخیص دشمن یا دولت متخاصم محرز نباشد، موضوع از طریق قوه قضائیه از شورای عالی امنیت ملی استعلام و نظر شورای مذکور ملاک خواهد بود.

واژه تبلیغ نیز مصدر متعدی از باب تفعیل و از ریشه «بَلَّغ» است که در لغت به معنای رساندن و رسانیدن است (معلوف، ۱۳۸۳: ۴۸). این واژه، مبین فعلی است که دو طرف دارد؛ از یک سو، فاعلی که اقدام به تبلیغ می کند و از سوی دیگر، طرفی که مخاطب واقع می شود. تبلیغ ممکن است در ابعاد مختلفی مطرح شود. برای نمونه، گاه تبلیغ در بُعد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی انجام می پذیرد. نکته شایان توجه اینکه واژه تبلیغ اصولاً واجد بار معنایی مثبت است، مگر آنکه با عنایت به قرائنی همچون واژه «علیه»، «ضد» و دیگر واژه های مشابه، واجد بار منفی شود.

در متون انگلیسی، واژه Propaganda به معنای تبلیغ آمده است و عنوان مجرمانه تبلیغ علیه حکومت* که شامل فعالیتهای تبلیغی** است، در قوانین کیفری برخی کشورها مطرح شده

* Propaganda against the state.

** Propagandist efforts.

است. در فرهنگ روابط بین‌الملل، Propaganda شامل هر گونه آگاهی‌بخشی است که متوجه اطلاعات اساسی، ایده‌ها یا تصورات افراد یا گروه‌ها می‌شود و به منظور تحت تأثیر قرار دادن افکار، احساسات یا عملکردهای آنها انجام می‌پذیرد. اهداف تبلیغ نیز، به طور کلی، عبارت‌اند از:

۱. تحصیل یا تقویت حمایت‌های دوستانه؛
۲. شکل‌دهی یا تغییر تمایلات فکری و احساسات راجع به ایده‌ها و وقایع؛
۳. تضعیف یا تلاش برای نابود ساختن نظام‌های حکومتی ناسازگار و همچنین سیاست‌ها و برنامه‌های آنها؛
۴. بی‌اثر کردن تبلیغات غیر دوستانه دیگر گروه‌ها یا کشورها.

به منظور تأثیرگذاری، تبلیغ باید مناسب، قابل اعتماد برای مخاطبان، استمرار، ساده، پایدار، جالب توجه، قابل درک در سطح ملی یا محلی، و به گونه‌ای باشد که قابل تشخیص از سوی طرف‌های مورد نظر از انجام این فعالیت به عنوان تبلیغ باشد. تبلیغ ممکن است در جهت فراهم ساختن امکان تجدید نظر در پندارهای مخاطبان صورت گیرد؛ همچنین ممکن است واقع‌گرایانه یا مبتنی بر سخنان کذب آشکار باشد. در هر شکل، فعالیت تبلیغی، ابزاری برای دگرگونی روان‌شناختی است که [عموماً] به منظور تأثیرگذاری بر اقدامات افراد جامعه و سازگار ساختن خط مشی آنها با اهداف و مصالح ملی انجام می‌گیرد (Plano, 1988: 82).

۲. پیشینه جرم‌انگاری و بررسی تطبیقی*

مقابله با تبلیغ منفی علیه نظام حکومتی یا تبلیغ به نفع گروه‌ها یا افراد مخالف یک نظام، مؤید این واقعیت است که در طول تاریخ همواره کوشش شده است آسیبی متوجه مصالح و منافع یک تشکل منسجم و نهادینه نگردد. در حقیقت، از همان ابتدای شکل‌گیری جوامع انسانی، در قالب نظام عشیره‌ای، طایفه‌ای یا قبیله‌ای، واکنش‌های قاطعی به تبلیغات منفی و سوء علیه این‌گونه نظام‌ها صورت می‌پذیرفته است. با گذشت زمان و با شکل‌گیری نظام‌های حکومتی، ترس از به خطر افتادن ارزش‌های حیاتی جامعه سبب گردید که هر گونه تجاوز بالفعل یا تهدید به تجاوز علیه امنیت کشور، چه در بُعد ملی و چه در بُعد فراملی، با ضمانت

* چون معدود کشورهایی که در آنها در زمینه تبلیغ علیه نظام حکومتی جرم‌انگاری صورت پذیرفته است لزوماً تابع نظام حقوقی واحدی نیستند، در بررسی تطبیقی، با صرف نظر از نظام حقوقی خاص، به تشریح موضوع می‌پردازیم.

اجراهای کیفری روبه‌رو شود. اهمیت این موضوع تا جایی است که گاه معاهدات چند جانبه‌ای بین کشورها منعقد شده است؛ برای نمونه، پس از جنگ جهانی اول، کشورهای آلمان، اتریش، مجارستان، ترکیه (امپراتوری عثمانی) از یک سو، و روسیه از سوی دیگر، معاهده‌ای را تحت عنوان «معاهده برست - لیتوفسک»^{*} در هیجدهم مارس ۱۹۱۸ به امضا رساندند. به موجب ماده ۲ این معاهده: «طرفهای متعاقد باید از هر گونه تحریک یا تبلیغ علیه نظامهای حکومتی یا کلیت نظام حاکم و نهادهای نظامی طرف مقابل خودداری کنند.» همچنین به موجب ماده ۶ این معاهده: «دولت روسیه صراحتاً با پذیرش و تأیید استقلال دو کشور فنلاند و اوکراین، از انجام هر گونه اقدام تحریک برانگیز یا فعالیت تبلیغی علیه حکومت یا نهادهای عمومی این دو دولت ممنوع گردیده است.» عدم پایبندی به مقررات این معاهده، مبین نقض صلح از سوی دولت خاطی است (Smith and Hogan, 1988, PDF.b).

به تدریج، در کشورهای معدودی نیز عنوان مجرمانه‌ای در قالب «تبلیغ یا فعالیت تبلیغی علیه نظام حکومتی» وارد قوانین کیفری شد.^{**} اصولاً اغلب کشورهای پذیرنده این عنوان، انقلابی‌اند و در زمره کشورهای هستند که حفظ و حراست از ارزشهای انقلابی و دستاوردهای آن را در سرلوحه برنامه خود قرار داده‌اند. در این زمینه می‌توان از کشورهای آلمان نازی، روسیه، اردن، لائوس و ویتنام نام برد (PDF.c). برای مثال، به موجب ماده ۸۸ قانون مجازات کشور ویتنام، هرکس مرتکب جرم تبلیغ علیه نظام حکومت جمهوری سوسیالیست ویتنام شود، به حبس از ۳ تا ۱۲ سال محکوم می‌شود. (The Columbia Encyclopedia, 2001, PDF.a)

شایان ذکر است جرم تحریک علیه دولت^{***} که ناظر بر تبلیغ یا توافقی است که به طور عینی انگیزه خیانت به کشور، گسترش خصومت بین طبقات مختلف مردم و اتباع کشور و یا عصیان در برابر ملکه یا هر نهاد دولتی دیگر را تهییج می‌بخشد، در زمره جرائمی است که علیه

^{*} The Treaty of Brest-Litovsk.

^{**} با مطالعه آثار حقوقی راجع به پیشینه جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام حکومتی در سایر کشورها، چنین به نظر می‌رسد که این عنوان مجرمانه ابتدا صراحتاً در معاهده یاد شده ذکر گردیده، آن‌گاه به نظام داخلی برخی کشورها راه یافته است.

^{***} Sedition.

مصلح دولت ارتکاب یافته و به ویژه در کشورهای تابع نظام کامن‌لا از جمله انگلستان، از نیمه دوم قرن نوزدهم جرم‌انگاری شده است. این جرم که از جهاتی با جرم تبلیغ علیه نظام در دیگر کشورها مشابهت دارد، مبین اقدام عالمانه و جانبدارانه در اظهار و انتشار سخنانی است که از اسقاط یا اصلاح نظام حکومتی موجود از طریق خشونت یا ابزارهای غیر قانونی حمایت می‌کند.

تلاشهایی که از طریق سخنرانیها، نشستها و درج مطالب در نشریات برای آشفتن آرامش نظام انجام می‌شود، جنبشی شورشی* است که در صورت تجلی در قالب یک اقدام آشکار، ممکن است به جرم خیانت به کشور** منتهی شود که یکپارچگی و انسجام کشور را در هم می‌ریزد. در واقع، ارتکاب جرم تحریک علیه دولت از آن روست که شخص در مسیر اعمال حق خود در خصوص بحث آزاد برای موضوعات قانونی و مشروع نباشد؛ بلکه با سوء نیت و اندیشه فتنه‌جویانه و شرورانه، بدون حس وفاداری و به منظور زیان رسانی، ایجاد تفرقه و نابودسازی امنیت اجتماعی، بدون توجه به نتایج، اقدام می‌نماید؛ لذا صرف داشتن قصد فتنه‌جویانه، قطع نظر از نتایج آن، برای اثبات چنین جرمی کافی است.

در مورد وجوه تمایز این جرم با جرم تبلیغ علیه نظام نیز می‌توان از انگیزه شرورانه و خیانت‌آمیز متهم به جرم تحریک علیه دولت یاد کرد؛ در صورتی که متهم به جرم تبلیغ علیه نظام، دارای انگیزه سیاسی و به زعم خود اصلاح‌طلبانه است. در ضمن، گستره موضوعی فراگیر جرم تحریک علیه دولت، در قالب رفتار و گفتار با عنایت به رکن قانونی متمایز، از دیگر وجوه افتراق آن با جرم تبلیغ علیه نظام است (Smith & Hogan, 1988: 833-836). رسیدگی به اتهام یک شخص در این زمینه با صدور کیفر خواست انجام می‌پذیرد و در صورت اثبات اتهام و اعلام محکومیت وی، دادگاه می‌تواند حکم به جزای نقدی و حبس دهد (Card, 1988: 436). در ایران، قبل از انقلاب اسلامی، در قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۱۰ و با الغای ماده ۶۰،*** «قانون مجازات مُقدمین [اقدام کنندگان] علیه امنیت و استقلال مملکت»، جایگزین ماده

* Insurrectionary Movement.

** Treason.

*** به موجب ماده ۶۰ ق.م.ع. سابق مصوب ۱۳۰۴ که در نتیجه اصلاحات بعدی ملغی گردید، قانونگذار وقت، مقرر نموده بود: «هرکس، خواه با مشارکت دشمنان خارجی ایران، خواه مستقلاً، برضد مملکت ایران مسلحانه قیام کند، محکوم به اعدام خواهد شد.»

مذکور گردید. بر این اساس و در ماده ۵ این قانون، تبلیغ در مقام ضدیت با سلطنت مشروطه ایران یا در مسیر حمایت از مرام یا رویه اشتراکی (سوسیالیستی) که به نحوی از انحاء انجام می پذیرفت، یا تبلیغ به نفع مجرمین چنان جرائمی، مستوجب حبس جنحه‌ای از یک سال تا سه سال شناخته شد. پس از انقلاب اسلامی و با تصویب قانون تعزیرات ۱۳۶۲، جرمی تحت عنوان فعالیت تبلیغی علیه نظام یا به نفع گروه‌های مخالف نظام وجود نداشت؛ تا اینکه از سال ۱۳۷۵ با تصویب قانون تعزیرات جدید، چنین عنوان مجرمانه‌ای در ماده ۵۰۰ ق.م.ا. پیش‌بینی شد. در هنگام تصویب این ماده در مجلس شورای اسلامی، گاه نگرانی‌هایی در مورد اینکه تصویب چنین ماده‌ای می‌تواند باعث جلوگیری از ارائه انتقادهای سالم شود و به مقامهای دولتی امکان سوء استفاده دهد، به گونه‌ای که با منتقدان تحت عنوان تبلیغ علیه نظام برخورد شود، ابراز می‌شد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۰: ۶۵). اما به رغم این مخالفتها، این ماده در نهایت به تصویب نمایندگان مجلس رسید.

۳. ماهیت جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر حقوق کیفری

تبیین ماهیت جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه اصول و موازین موجود در حقوق کیفری، سبب ترتب آثار و احکام خاصی بر آن می‌شود. با توجه به ماهیت عمل ارتكابی و انگیزه مرتکب از فعالیت تبلیغی، بی‌گمان ماده ۵۰۰ ق.م.ا. را می‌توان مصداق بارز جرائم سیاسی* دانست.

متأسفانه به رغم اهمیت تمییز جرم سیاسی و عمومی، پس از انقلاب اسلامی در ایران هیچ خط مشی روشنی در قبال جرائم سیاسی اتخاذ نشده است. تمسک به دستاویزهایی همچون عدم وجود تعریفی از جرم سیاسی در منابع فقهی، تساوی همه افراد در قبال قانون و شریعت و عدم امکان ارائه تعریف جامع از جرم سیاسی، در مجموع سبب گردیده است که اصل صریح و مسلم قانون اساسی در خصوص جرائم سیاسی بدون پشتوانه و ضمانت اجرای مناسب باقی بماند. این در حالی است که بدون تردید جرائم سیاسی، از حیث ماهوی و شکلی، دارای تفاوت‌های اساسی با جرائم عادی و عمومی هستند.

* Political Crimes.

برای نمونه، مرجع صالح برای رسیدگی به جرائم سیاسی - از منظر شکلی - به تصریح قانون اساسی، محاکم عمومی دادگستری است. با وجود این، رسیدگی به اتهامات و همچنین محاکمات راجع به جرم تبلیغ علیه نظام، در دادگاههای انقلاب انجام می‌پذیرد. دلیل این مسئله آن است که با توجه به عموم بند ۱ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ که رسیدگی به کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی را در صلاحیت دادگاههای انقلاب قرار داده است و جرم تبلیغ علیه نظام نیز در زمره جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی - مندرج در فصل اول از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی - است، لذا به جرم اخیر در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود؛ در صورتی که صلاحیت رسیدگی به اتهام تبلیغ علیه نظام، حسب ماهیت سیاسی آن، اصولاً باید در اختیار دادگاههای عمومی باشد.

جالب اینکه بیشتر تلاشهایی که تاکنون در زمینه تنظیم و تصویب قانون یا لایحه‌ای برای جرم سیاسی صورت پذیرفته، ناکام مانده است. از مهم‌ترین لوایح قانونی در این زمینه، لایحه تهیه شده از سوی وزارت دادگستری است که کلیات آن با وجود مخالفت عده‌ای از نمایندگان، پس از طرح و بررسی، جمعاً در چهار جلسه به صورت شتابزده در تاریخ ۱۳۸۰/۳/۸ در بیست و سه ماده و چهارده تبصره به تصویب رسید؛ اما مصوبه مذکور در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۳/۳۰ شورای نگهبان مطرح شد و در مجموع، ۱۳ مورد آن خلاف شرع و ۳۴ مورد آن نیز مخالف قانون اساسی اعلام گردید. شورای نگهبان، همچون گذشته، بدون هیچ استدلالی نظر خود را در خصوص مخالفت با موارد مصرحه با تکیه بر اصولی همچون اصل ۴ ق.ا. این گونه اعلام داشته است که اطلاق مواد، خلاف شرع و مغایر اصول قانون اساسی است (جرم سیاسی، ۱۳۸۰: ۵۷ - ۵۸)! تأیید نهایی لایحه یاد شده و دیگر لوایح، به ویژه لایحه تهیه شده توسط کمیسیون حقوق بشر اسلامی، از سوی شورای نگهبان که در بند ۳ ماده ۲ آن، به صراحت فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام از جمله جرائم سیاسی برشمرده شده بود، می‌توانست بسیاری از ابهامات و مشکلات پیش‌گفته را مرتفع سازد، ولی متأسفانه چنین اقدامی تحقق نپذیرفت.

۴. تحلیل ارکان جرم* فعالیت تبلیغی علیه نظام

پس از شناخت واژگان و پیشینه ماهیت جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام، اکنون به تحلیل ارکان سه گانه تشکیل دهنده این جرم می پردازیم.

۴-۱. رکن قانونی جرم

ماده ۵۰۰ ق.م.ا. ناظر بر رکن قانونی جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام است؛ به موجب این ماده: «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.» بر اساس رژیم قانونی بودن جرم و مجازات، رسیدگی به اتهام هر فردی تحت عنوان تبلیغ در هر دو صورت مذکور باید در چارچوب قانونی موجود صورت پذیرد. در همین زمینه، باید به دو اثر مهم اصل قانونی بودن جرم و مجازات، یعنی عطف به ماسبق نشدن قانون کیفری و تفسیر مضیق قانون به نفع متهم، توجه ویژه داشت. همچنین در مواردی که به موجب حکم قانون گذار، فعالیت تبلیغی علیه نظام، از سوی افراد یا گروههایی طبق قانون خاص، جرم شناخته شده و قابل مجازات اعلام گردیده باشد، بر مبنای همان قانون رسیدگی انجام می شود. برای مثال، در ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده، مصوب ۱۳۶۰، جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام به صراحت پیش بینی شده است.

اما با نگاه واقع بینانه، ماده ۵۰۰ ق.م.ا. می تواند به یک «باتلاق قانونی»** تبدیل شود؛ زیرا این ماده با ابهام مفادی و شکلی فراوانی روبه روست و انطباق یک رفتار را بر اساس آن، از منظر حقوقی بسیار دشوار می سازد. به دیگر سخن، چالش ناشی از اجمال قانونی و برداشتهای متنوع و متفاوت راجع به ماهیت رفتار مجرمانه و دامنه وسیع موضوعی ماده مذکور و نیز فقدان ضابطه و تفسیر قانونی صریح در این زمینه سبب می گردد که دادرسان بر پایه اصول حقوقی حاکم بر فرایند دادرسی تا حد امکان از استناد به این ماده خودداری کنند؛ هر چند همواره این تردید وجود دارد که ممکن است افراد بسیاری به اعتبار برخی گفته ها گرفتار بستر گسترده و فروبرنده آن شوند.

* Bases of Crime.

** Legal Swamp.

۴-۲. رکن مادی جرم

رکن مادی جرم - یا به تعبیری پیکره جرم - که ناظر بر تبلور و تظاهر خارجی فعل و انفعال ذهنی مرتکب جرم است، دارای عناصر یا اجزائی است که تبیین هریک، در فهم موضوع، ضروری است.

نخستین عنصر مادی در تشریح رکن مادی جرم تبلیغ علیه نظام، رفتار مجرمانه است. این رفتار در قالب فعل مثبت مادی که همان فعالیت تبلیغی است، انجام می‌پذیرد. فعالیت تبلیغی، یا ضد نظام جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام واقع می‌شود. در خصوص مورد اخیر - با توجه به فلسفه جرم‌انگاری ماده ۵۰۰ ق.م.ا. و آسیبهایی که از رهگذر فعالیت تبلیغی به نفع گروهها و سازمانهای مخالف یاد شده به نظام جمهوری اسلامی ایران وارد می‌شود - می‌توان گفت هر گونه تلاشی که در قالب فعالیت تبلیغی و در جهت جلب و جذب کمکهای مادی و معنوی مؤثر در پیشبرد اهداف گروهها و سازمانهای مخالف نظام انجام می‌پذیرد، مشمول حکم قانون‌گذار است. البته گاه نیز ممکن است فعالیت تبلیغی همزمان ضد نظام و در عین حال به نفع گروهها و سازمانهای مخالف آن صورت بپذیرد. بنابراین رفتار مجرمانه در این جرم، در قالب ترک فعل، مثلاً عدم دفاع از نظام، شکل نخواهد گرفت. در ضمن، با عنایت به عبارت «فعالیت تبلیغی»، آنچه به ذهن متبادر می‌شود این است که نظر قانونگذار، حاکی از لزوم استمرار در رفتار مجرمانه است و لذا این جرم با یک بار اقدام مبنی بر تبلیغ، در کنار سایر شرایط لازم، تحقق نخواهد یافت.

دومین عنصر، موضوع جرم است. در جرم تبلیغ علیه نظام، موضوع جرم «کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران» است و شامل اشخاص به اعتبار تفوق اداری یا تشخیص معنوی آنها نمی‌شود. جالب اینکه «کلیت نظام حاکم» در ماده ۲ معاهده برست - لیتوفسک نیز مورد تصریح قرار گرفته است. به طور کلی، دلایل این نظر عبارت است از اینکه نخست، واژه نظام، همان طور که پیش‌تر بیان شد، ناظر بر ارکان ساختاری نظام به طور کلی است و لذا منصرف از رکن، نهاد یا شخص خاصی است. دوم آنکه مقتضای تفسیر مضیق قانون به نفع متهم، عدم تسری دیگر مسائل در گستره موضوعی جرم است. سوم آنکه قانونگذار به طور مستقل و

صریح، تکلیف قانونی سایر موضوعات را روشن کرده است؛ برای مثال، تبلیغ یا فعالیت تبلیغی علیه مقدسات اسلام، رهبر و دیگر مقامات که گاه در اثر توهین، افترا و دیگر جرائم گفتاری مشابه انجام می‌شود، موضوع مواد خاصی در قانون مجازات اسلامی است. بنابراین، استدلال حقوقدانانی که علاوه بر نظام، فعالیت تبلیغی علیه شخص را نیز «در صورتی که آن شخص، کسی باشد که تبلیغ علیه او به طور مستقیم یا غیر مستقیم، تبلیغ علیه نظام تلقی شده و موجب کسر حیثیت و اعتبار رژیم و تزلزل مبانی حکومت گردد و اعتقاد مردم را نسبت به سلامت و صداقت و مشروعیت نظام و مسئولان آن متزلزل سازد»، مشمول ماده ۵۰۰ ق.م.ا. می‌دانند (پیمانی، همان: ۲۱)، از منظر ما به هیچ نحو پذیرفته نیست. همین برداشت‌های کلی از ماده قانونی سبب گردیده است که اغلب در پرونده محکومیت برخی اشخاص، فعالیت تبلیغی علیه نظام همدریف و در کنار جرائمی از قبیل توهین به رهبری و مقدسات اسلام مطرح شود و محکومیت شخص، توهین به رهبری و تبلیغ علیه نظام - به طور ملازم - اعلام گردد.

عنصر مادی دیگر، شخصیت مرتکب است. قانون‌گذار با بیان «هرکس» در ابتدای ماده، به طور عام تمام افراد را، صرف نظر از جنسیت، ملیت، عنوان، سمت یا تابعیت، مخاطب قرار داده است؛ لذا حکم این ماده، شامل تمام افراد می‌شود. وسیله ارتکاب جرم نیز عنصر مهم دیگری است که به ویژه در ماده ۵۰۰ مورد اشاره قرار گرفته است. قانون‌گذار با بیان عبارت «به هر نحو فعالیت تبلیغی» بر طریقت وسیله ارتکاب جرم، نظر داشته است و لذا وسیله خاصی در ارتکاب این جرم، موضوعیت ندارد. بر این اساس، فعالیت تبلیغی علیه نظام ممکن است از طریق سخنرانی در مجامع، انتشار مقالاتی در روزنامه یا سایتهای خبری، ساختن فیلم یا نمایشنامه، نقاشی یا ترسیم یک طرح، مصاحبه با رسانه‌های گروهی یا هر طریق دیگری انجام شود. در مورد زمان و مکان جرم نیز باید گفت که قانون‌گذار، مکان خاصی را برای ارتکاب جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام ضروری ندانسته است؛ بنابراین، ارتکاب جرم، چه در داخل قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و چه در خارج از آن - در صورت تحقق شرایط لازم - مشمول حکم قانون‌گذار خواهد بود.

شایان ذکر است که اساساً جرائم ارتكابی ضد امنیت داخلی و خارجی کشور در خارج از قلمرو حاکمیت ایران، از جمله جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، مشمول

بند ۱ ماده ۵ ق.م.ا. است و مرتکب، ایرانی یا بیگانه، در صورت دستگیری یا استرداد به ایران، طبق قانون مجازات اسلامی محاکمه خواهد شد. در این زمینه، اصل صلاحیت واقعی، به اعتبار ماهیت جرم و در جهت صیانت از منافع و مصالح کشور، حاکم است. اما از حیث زمان، ارتکاب این جرم در زمان جنگ به موجب ماده ۵۰۹ ق.م.ا. از جهات تشدید مجازات بر شمرده شده است. بدیهی است اقدام به فعالیت تبلیغی ضد نظام یا به نفع گروههای مخالف نظام در زمان جنگ، با توجه به آثار زیانبار آن بر ابعاد ساختاری نظام، بیش از هر زمان دیگری خطرناک و آسیب زننده است؛ لذا قانونگذار وقوع چنین جرمی را در زمان جنگ به عنوان یک کیفیت مشدده عینی یا واقعی مقتضی تشدید کیفر دانسته است.

در مبحث بعد، به تشریح رکن روانی جرم و عناصر این رکن می‌پردازیم.

۴-۳. رکن روانی جرم

جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام، از جرائم عمدی است. در جرائم عمدی، رکن روانی (فعل و انفعال ذهنی مرتکب) متضمن اجزا و عناصر لازمی است که جمع بودن همه آنها حسب مورد در جرم ضروری است. یکی از این اجزا، علم یا آگاهی مرتکب است. متعلق علم نیز از یک طرف، علم به حکم منصوص کیفری است که طبق قاعده کلی، این علم، مفروض است. به عبارت دیگر، بر مبنای اماره قانونی، جهل به قانون، رافع مسئولیت کیفری نیست و اثبات خلاف آن نیز جز در موارد استثنایی امکان‌پذیر نیست که البته این بحث را در جای دیگری باید دنبال نمود. متعلق دیگر علم، در جرم ماده ۵۰۰ ق.م.ا. کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران، به عنوان موضوع جرم است که در مباحث قبل به تفصیل به آن پرداخته شد.

اراده نیز که خاستگاه اصلی مسئولیت کیفری است، عنصر دیگری است که با فقد آن، امکان انتساب جرم به مرتکب فعل فراهم نخواهد بود؛ لذا چنانچه فردی در حالت فقد اراده سالم - مثلاً در حالت مستی، مشروط بر اینکه پیش‌تر به منظور ارتکاب جرم حادث نشده باشد، یا در حال اجبار یا اکراه عادتاً غیر قابل تحمل (مواد ۵۳ و ۵۴ ق.م.ا.) - به فعالیت تبلیغی علیه نظام یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام اقدام نماید، انتساب جرم به وی و مسئول دانستن او از منظر حقوق کیفری، امکان‌پذیر نیست.

در اینجا باید به تشریح سوء نیت یا اندیشه خلاف قانون پرداخت که اصولاً ذیل عنصر علم و در ادامه آن مطرح می‌شود. اهمیت این بحث از آن روست که با فقد سوء نیت یا قصد مجرمانه* و احراز حسن نیت،** امکان تحقق جرم منتفی است. حسن نیت که مقوله‌ای ذهنی و انتزاعی است، شامل اعتقاد درست و مشروع، فقد انگیزه اغوا یا دنبال نمودن یک امتیاز نامشروع است. این مفهوم به عالم ذهن ارتباط می‌یابد و لذا به طور کلی قابل تبیین و تعریف نیست.

در رویه قضایی، حسن نیت مبین حالت ذهنی دلالت کننده بر آرمان صحیح نسبت به وظیفه یا تعهد در یک شخص است (Campbell, 1990: 693). تبلور حسن نیت در ارتباط با ماده ۵۰۰ ق.م.ا. در قالب انتقاد سالم و سازنده قابل توجیه است که در هر صورت اثبات و احراز آن با مقام قضایی است. این امر به آن معناست که دادرس می‌تواند با تشخیص صحت قول و صداقت گوینده در بیان یک موضوع، حسن نیت وی را احراز نماید. بیان واقعیات و نارساییها بر پایه استدلال و داده‌های صحیح و به منظور آگاهی کارگزاران نظام در جهت اصلاح هر چه بیشتر و بهتر امور و اوضاع جامعه، مبین جنبه سازندگی سخنان مطرح شده در قالب انتقاد است.

توجه به این مطلب ضروری است که تبلیغ در جهت منفی با انتقاد، متفاوت است. واژه اخیر ناظر بر بیان دیدگاههای سالم و سازنده‌ای است که در مسیر تبیین و تشریح ابعاد و ظواهر پیدا یا ناپیدای یک موضوع مطرح می‌شوند و جنبه اصلاحی، وصف غالب در این زمینه است. لذا انتقاد در معنای واقعی و در چارچوب موازین قانونی هر چند متوجه ارکان نظام حکومتی شود، هیچ‌گاه وصف مجرمانه به خود نمی‌گیرد. بر همین اساس، قانون‌گذار در ماده ۳ اصلاحیه قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ تصریح نموده است که: «مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع مردم برسانند.» همچنین به موجب تبصره این ماده: «انتقاد سازنده، مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می‌باشد.»

در صورتی که گوینده اطلاعات ناصوابی را به قصد وارد ساختن لطمه به مصالح و منافع جامعه و نیز در جهت تهییج و تحریض افکار عمومی یا تهدید امنیت ملی مطرح سازد، دیگر

* Malice.

** Good faith.

نمی‌توان قائل به حسن نیت وی گردید. حتی در مواردی آگاهی‌رسانی با فرض صحت اطلاعات، چنانچه به طور غرض‌آمیز و برای انگیزش افکار عمومی انجام پذیرد، جنبه اصلاحی و سازندگی گفته‌ها را در قالب انتقاد از بین خواهد برد. به همین اعتبار، قانون‌گذاران کشورهایی همچون فرانسه، انتشار اطلاعات صحیح، اما غرض‌آمیز برخی مقامات را - در جهت مغایر مصالح ملی - تحت شرایط خاصی، مورد تعقیب و مجازات قرار می‌دهند (معتدنازاد، ۱۳۸۱: ۲۸۱-۲۸۷).

همچنین از آنجا که جرم ماده ۵۰۰ ق.م.ا. جرمی مطلق است، صرف تعلق اندیشه مجرمانه به نقض قانون یا به تعبیری تعلق اراده به نفس عمل (سوء نیت عام) کفایت می‌کند؛ لذا تعلق اراده به نتیجه عمل (سوء نیت خاص) مفروض است. در اینجا انگیزه یا هدف ذهنی و نهایی از ارتکاب فعل مجرمانه در جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام، به عنوان یک جرم مطلق، جانشین و جایگزین سوء نیت خاص می‌شود. انگیزه اگرچه اصولاً در ماهیت جرم ارتكابی تأثیری ندارد، لیکن در جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام اتفاقاً جایگاه خاصی یافته است؛ به گونه‌ای که بر مبنای همین انگیزه، یک جرم، سیاسی دانسته شده است. بدیهی است اگر انگیزه یا دواعی دیگری جز انگیزه سیاسی در جرم مذکور مطرح باشد، در هر حال انگیزه سیاسی در رأس آنها قرار می‌گیرد.

۵. نتیجه

منظور از «نظام» در جرم «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، کلیت نظام جمهوری اسلامی شامل قوای سه گانه بوده که قانون اساسی روابط و تعامل آنها را انتظام بخشیده است؛ لذا هیچ یک از قوای سه گانه به تنهایی، نمایانگر نظام جمهوری اسلامی نیستند و مخالفت با عملکرد یکی از آنها و یا خط مشی برخی مسئولان آن قوه به معنای مخالفت با کلیت نظام نخواهد بود. با نگاه دقیق‌تر به موضوع درمی‌یابیم که کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران در واقع مبتنی بر دو رکن ساختاری «اسلامیت» و «جمهوریت» است که در اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل دوم و اصول چهارم تا هفتم آن مورد تصریح قرار گرفته است. بنابراین، نفی اسلامیت نظام با بیان عباراتی همچون جمهوری لائیک یا جمهوری سوسیالیستی، و یا نفی جمهوریت آن در قالب تعبیری مثل استقرار نظام سلطنتی و مانند آن، در کنار دیگر ارکان و عناصر جرم، کلیت نظام را مخدوش می‌سازد.

به علاوه، جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام بدون تردید در زمره جرائم سیاسی است؛ زیرا اقدام مرتکب با شیوه اعمال حاکمیت و ماهیت حکومت ارتباط تنگاتنگی می‌یابد و هدف وی اصولاً نفع شخصی نیست؛ بلکه بدون اعمال خشونت، فقط با انگیزه سیاسی اصلاح‌طلبانه و بر پایه اقناع درونی در جهت تغییر وضع جامعه به فعالیت تبلیغی ضد کلیت نظام و یا به عکس، به نفع گروه‌ها و سازمانهای مخالف آن اقدام می‌کند. بنابراین، لزوم رعایت و اعمال مقررات ماهوی و به ویژه قواعد شکلی ناظر بر نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی از حیث علنی بودن، ضرورت حضور هیأت منصفه در روند دادرسی و همچنین برگزاری جلسات محاکمه در دادگاههای عمومی امری تردیدناپذیر است.

همچنین کوتاهی و در واقع عدم اهتمام قانون‌گذار، پس از انقلاب اسلامی، در به وجود آوردن چارچوب حمایتی و ضمانت اجرای مناسب در خصوص جرائم سیاسی به طور قطع قابل توجیه نیست. جای بسی شگفتی است که با گذشت سالهای متمادی از زمان تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با آنکه به موجب اصل ۱۶۸ این قانون، نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی تصریح گردیده و بر لزوم ارائه تعریف از جرم سیاسی بر اساس موازین اسلامی و از سوی قانون‌گذار تأکید شده، هنوز در این زمینه اقدامی انجام نیافته است.

آنچه از تعبیر قانون‌گذار مبنی بر «فعالیت تبلیغی» هم به ذهن متبادر می‌شود، استمرار در تبلیغ است. در واقع، وصف تبلیغی برای اقدام مرتکب در قالب فعالیت، حاکی از نوعی مداومت و استمرار است. به علاوه، اصل مسلم تفسیر مضیق قانون کیفری به نفع متهم نیز مقتضی ارائه چنین تفسیری است؛ لذا با یک بار اقدام به تبلیغ ضد نظام، مثلاً سخنرانی در یک مجمع یا مصاحبه، نمی‌توان قائل به تحقق جرم شد.

در پایان امید می‌رود با تصویب قانونی در زمینه جرم سیاسی، بسیاری از شبهات موجود در مورد این جرم و به ویژه ماده ۵۰۰ ق.م.ا. مرتفع گردد.

منابع

۱۳۹

فقه حقوق

تحلیل جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران

۱. پیمانی، ضیاءالدین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، دوم، ۱۳۷۵.
۲. جرم سیاسی، روند تهیه لایحه قانونی و طرح مصوب، وزارت دادگستری، معاونت حقوقی و امور مجلس، ۱۳۸۰.
۳. عبدالملک، جندی، الموسوعة الجنائية، الجزء الثالث، بیروت، مكتبة العلم للجميع، ۲۰۰۵ م.
۴. علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، تهران، بی نا، ۱۳۵۳، ج ۱.
۵. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته های حقوق اساسی، تهران، نشر دادگستر، اول، ۱۳۷۵.
۶. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، هشتم، ۱۳۸۲.
۷. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت انتشار، بیستم، ۱۳۷۴.
۸. گاستون، استفانی و لواسور، ژرژ و بولوک، برنار، حقوق جزای عمومی، جرم و مجازات، مترجم دکتر حسن دادبان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، اول، ۱۳۷۷، ج ۱.
۹. معتمدنژاد، کاظم، حقوق مطبوعات، ج ۱، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، دوم، ۱۳۸۱.
۱۰. معلوف، لويس، المنجد فی اللغة، تهران، چاپخانه منفرد، دوم، ۱۳۸۳.
۱۱. میرمحمد صادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، سوم، ۱۳۸۰.

12. C. Plano, Jack and Olton, Roy, *The International Dictionary*, U. S. A, Longman, 4th ed., 1988.
13. Campbell, Henry, *Black's Law Dictionary*, U. S. A., West Publishing Cq, 6th ed., 1990.
14. Card, Richard; *Introduction to Criminal Law*, London: Butterworth & Co., 11th ed., 1988.
15. Smith, J. C. and Hogan, Brian; *Criminal Law*, London: Edinburgh Butterworths, 6th ed., 1988.
16. *The Columbia Encyclopedia*, "The Treaty of Brest – Litovsk", U.S.A., 6th ed., 2001, [PDF.a].
17. *The Criminal Code of Socialist Republic of Vietnam*, 1999, No. 11/KSDT-AN, Hanoi, Sep. 24, 2002, [PDF.b].
18. *Propaganda against the state*, News, 21/007/2001 [PDF.c].

۱۴۰

فہرست

سال سوم / تابستان ۱۳۸۵